امکان تداخل عوالم و توج پایه عوالم، در عین استقلال احکام هر عالم

لذا خدای متعال در آن توج پایه‌ای که این عالم ما را آفریده، می‌تواند در همان بستر، یک توج پایه دیگری قرار بدهد. قبلاً این را عرض کرده بودم. یعنی یک عالم دیگری پدید می‌آید که با همین عالم ما متداخل است؛ از آن جدا نیست و همینجا است، اما پایه آن با عالم ما فرق دارد. یعنی دیگر در آن عالم، شما نمی‌توانید سراغ زمان پلانک و طول پلانک بروید. طول پلانک برای ما است که به جزء لایتجزای عالم ما می‌رسد. در آن عالم می‌توانید ریزتر شوید؛ از طول پلانک ریزتر شوید. یا یک عالم دیگری باشد که زودتر از عالم ما به جزء لایتجزای عالم خودشان برسند. یعنی زمان پلانک و طول پلانک آن عالم، بیشتر باشد. چرا؟ چون از توج پایه‌ای که خداوند متعال در آن بستر پدید می‌آورد، خبری نداریم. البته باز خودش یک نظر متافیزیکی و فلسفی است که از آن بحث می‌کنیم و به‌عنوان یک فکر است.

لذا اینکه اعداد گویا، و ریاضیات گسسته، پایه عرض من بود، برای وقتی است که یک توج پایه داریم. ما مکان و زمان نخواهیم داشت، تا اینکه یک توج پایه داشته باشیم. توج پایه، آن فضا-زمانی‌که در فیزیک می‌گویند را پدید می‌آورد.

شاگرد: چرا کلمه توج را به کار می‌برید؟

استاد: به‌خاطر اینکه یک بستری دارد که دیگر در آن توج نیست. خود بستر و آن اتره‌ا است.

بازبینی #4
ایجاد شده 15 سپتامبر 2024 13:35:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:37:28 توسط ... .